

## آیین کشورداری در گرشاسب نامه اسدی طوسی

زهرا کاظمی پورا<sup>۱</sup>



تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

کهن فرهنگ و ملت‌ها آموزه‌های اخلاقی فراوانی را در کوله‌بار خود دارند. حکمت ایرانی سرشار از آموزه و پندهای اخلاقی است. ارجمندی آن‌ها را همین بس که بر تاج شاهان و کارنامه‌های آنان جای گرفته‌اند، همچون صد پند انوشیروان، کارنامه ی اردشیر بابکان و اندرزنامه ی بزرگ‌مهر. حکمت باستانی ایران و یونان پس از ظهور اسلام در پرتو فرهنگ قرآن رنگ باخت و با فرهنگ اسلام درآمیخت.

نخستین سراینندگان فارسی دری مانند: فردوسی در شاهنامه، فخرالدین اسعد در ویس و رامین و اسدی طوسی در گرشاسب‌نامه که همگی مربوط به فرهنگ ایران پیش از اسلام هستند؛ در ترویج اخلاق و ادبیات تعلیمی بسیار کوشیده‌اند. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یکی از زیر مجموعه‌های حکمت عملی، آیین کشورداری (سیاست مدن) است. آیین کشورداری به دلیل حکمت: الناس یولد علی دین ملوکهم و إذا تغیر السلطان تغیر الزمان، تاثیر بسزایی در فرهنگ ملت‌ها دارد. نویسندگان این گفتار می‌کوشند تا آیین کشورداری به روایت گرشاسب‌نامه را مورد بررسی قرار دهند.

**کلید واژه‌ها:** اسدی طوسی، گرشاسب‌نامه، حکمت عملی، آیین کشورداری.



## در شناخت اسدی طوسی:

علی بن احمد اسدی طوسی، در حوالی سال ۳۹۰ در طوس دیده به جهان گشوده است. وی در دو دهه آغاز زندگی خویش را در طوس گذرانده؛ سپس به علتی نامعلوم زادگاه خویش را به سوی شمال باختری ایران ترک گفته است. کتاب "الابنیة" را که چند سالی پیش از آن موفق الدین ابو منصور علی هروی برای ابو نصر جستان تالیف کرده بود، برای یکی از بزرگان آنجا با خطی خوش کتابت کرده است؛ سپس در دهه ششم سده پنجم و احتمالاً پس از درگذشت ابونصر جستان در سال ۴۵۳ ه. "گرشاسب‌نامه" را به ابودلف فرمانروای نخجوان به پایان رسانیده است. (خالقی مطلق، ۱۳۵۶: ۳۹۰)

## آثار اسدی

از آثار اسدی "لغت فرس" است که اولین لغت‌نامه مدون زبان فارسی است. کهن‌ترین فرهنگ زبان فارسی "لغت فرس" است که مدخل‌های آن حدود ۲۰۰۰ لغت است با ذکر معانی آن و ترتیب آن‌ها بر اساس حروف آخر کلمات است. این کتاب نه تنها از لحاظ ارائه واژه‌های قدیم پارسی و معانی آن‌ها حائز اهمیت است، بلکه بسیاری از نمونه‌های شعر سده چهارم و سرایندگان آن‌ها به واسطه این فرهنگ شناخته شده‌اند و جز در "لغت فرس"، نام و شعر آن‌ها در جای دیگری نیامده است. (آیدنلو، ۱۳۸۲: ۸).

## گرشاسب‌نامه

دومین اثر حماسی (بعد از شاهنامه) "گرشاسب‌نامه" اسدی طوسی، شاعر بزرگ ایران در قرن پنجم هجری است. "گرشاسب‌نامه" کتاب منظومی است که اسدی آن را در سال ۴۵۸ ه. سروده است. چنان‌که از نامش پیداست راجع به پهلوان بزرگ سیستان،



رسول اکرم (ص) درباره ارزش حکمت و نتایج آن فرموده است: "نعم المجلس يتشرف فيه الحكمة." (عبدالباقی، ۱۹۳۶: ۴۹۱) و این در حالی است که پیامبر (ص) خود را خانه علم و حضرت علی (ع) را باب آن خانه نامیده است. حضرت علی (ع) نیز حکمت را گمشده انسان مومن می‌داند و می‌فرماید: "الحكمة ضالة كل المؤمن" (آمدی، ۱۳۳۷، ۲: ۷۵)

خواجه نصیر می‌گوید: "حکمت در عرف اهل معرفت عبارت بود از دانستن چیزها چنان که باشد و قیام نمودن به کارها چنان که به قدر استطاعت تا نفس انسانی به کمالی که متوجه اوست، برسد." (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۳۷)

در مجموع می‌توان گفت: حکمت یعنی شناختن بهترین علم، همچنان که دکارت می‌گوید: "مقصود از حکمت شناخت کامل چیزی است که می‌توان شناخت برای گذران زندگی و حفظ سلامت و اختراع صناعات." (مجتهدی، ۱۳۸۴: ۳۲۱) از طریق حکمت نوعی تشخیص در شخص به وجود می‌آید که می‌تواند واقعیات را دریابد و از منکرات دوری جوید، به طوری که از راه عقل و تفکر درست راهی به سوی خدای خود پیدا کند، زیرا بهترین سعادت رسیدن به خدای متعال است و انسان‌ها از طریق حکمت می‌توانند نفس خود را متوجه این کمال نمایند.

## انواع حکمت

حکمت در نزد فلاسفه اسلام منقسم است، حکمت نظری و حکمت عملی، چون اعیان موجودات که احوال آن‌ها موضوع اهل حکمت است یا به قدرت و اختیار ما هستند (موضوع حکمت عملی) و یا از قدرت و اختیار ما بیرون می‌باشند (موضوع حکمت نظری). (مصاحب، ۱۳۸۷، ۱: ۴۷۶)

البته ارسطو علاوه بر حکمت عملی و نظری، صنایع را یکی از اقسام حکمت

می‌داند و آن فنونی است که قواعد زیبایی را به دست می‌دهند و قوه خلاقیت را محکم می‌سازند مانند شعر و خطابه. (فروغی، ۱۳۷۲: ۳۹)

اکثر متفکران و فلاسفه در مورد انواع حکمت مطالبی ذکر نموده‌اند اما تقسیم بندی خواجه نصیر در میان آن‌ها بهتر به نظر می‌رسد، او در اخلاق ناصری چنین می‌گوید: "حکمت منقسم شود به دو قسم: یکی علم و دیگری عمل، علم تصور حقایق موجودات بود و تصدیق به احکام و لواحق آن چنان که فی نفس الامر باشد به قدر قوت انسانی، و عمل، ممارست حرکات و مزاوت صناعات از جهت اخراج آنچه در حیز قوت باشد به حد فعل، به شرط آنکه مودی بود از نقصان به کمال برحسب طاقت بشری. و هر که این دو معنی در او حاصل شود حکیمی کامل و انسانی فاضل بود و مرتبه او بلندترین مراتب نوع انسانی باشد. (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۶)

### حکمت نظری

در این حکمت معلومات بشری از حیثه قدرت و اختیار او بیرون است. (مصلح، ۱۳۸۹، ۱: ۳۱)

در حقیقت حکمت نظری علم به احوال اشیاء چنان که هستند یا خواهند بود مثلاً این که جهان از مبدائی علیم صادر شده است و یا اینکه همه موکبات طبیعی به چند عنصر محدود منتهی می‌شوند، حکمت نظری از هست‌ها و است‌ها سخن می‌گوید و مسائل آن از نوع جمله‌های خبریه است. (مطهری، ۱۳۸۱، ۲: ۱۷۸)

حکمت نظری ۳ قسم است:

- ۱- اول علم مابعدالطبیعه (علم الهی و علم فلسفه)
- ۲- دوم علم ریاضی و اصول آن شامل (هندسه، عدد، موسیقی و موضوع آن و علم مناظر و مرایا و علم جراثقال)

۳- علم طبیعی و اصول آن شامل (سماع طبیعی، سماع عالم، علم کون و فساد، آثار علسوی، علم معادل، نباتات، علم نفس و فروع آن، علم طب و نجوم و علم فلاح و غیر آن باشد). (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۳۸)

### حکمت عملی

خواجه نصیر می گوید: "حکمت عملی دانستن مصالح حرکات ارادی و افعال صناعی نوع انسانی بود بر وجهی که مودی باشد به نظام احوال معاش و معاد ایشان و مقتضی رسیدن به کمالی که متوجه اند به سوی آن." (همان: ۴۰) در این حکمت معلومات بشری در تحت اختیار و قدرت اوست. (مصلح، ۱۳۸۹، ۱: ۳۲)

حکمت عملی عبارت است از علم به تکالیف و وظایف انسان، یعنی چنین فرض شده است که انسان یک سلسله تکالیف و وظایف دارد و نه از ناحیه قانون - اعم از قانون الهی یا بشری - که آن داستان دیگری است بلکه از ناحیه خود محض آدمی، که عقل و خرد می تواند آن ها را کشف کند و حکمت عملی محدود است بر انسان و مربوط به افعال اختیاری اوست. خلاصه اینکه حکمت عملی از بایدها و شایدها بحث می کند و مسائل آن از نوع جمله های انشائی است (مطهری، ۱۳۸۱، ۲: ۱۷۸) و این حکمت صلاح و فساد و نیک و بد و سود و زیان را معلوم می سازد. (فروغی، ۱۳۷۲: ۳۹)

### حکمت عملی در گرشاسب نامه

اخلاق گرایی و تعلیم فضایل اخلاقی انسانی بر کل ادبیات فارسی حاکم است و به طور خاص اسدی در "گرشاسب نامه" به طریق اخلاق گرایان به خوبی توانسته است به تعهد ادبی و انجام رسالت اجتماعی شعرش دست یازد. اسدی حماسه محض نسراییده بلکه به مبانی حکمت عملی و نظری، که بخش اعظم اخلاق از این دو منبعث

است، توجه وافر داشت. (میرباقری فرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۷).

بخش نخست از حکمت عملی، تهذیب اخلاق است. ابن مسکویه بزرگ‌ترین صنعت انسانی را صنعت تهذیب اخلاق می‌داند: "نخستین وظیفه بشر این است که نفس و روان خود را بشناسد و از صفات ذمیمه و اخلاق زشت تخلیه کند؛ یعنی خود را از آنچه باعث خست و شقاوت وی می‌شود، خالی کند؛ سپس در مقام تخلیه برآید؛ یعنی روح و روان خود را تزیین کند به اخلاق حمیده و صفات متینه تا آن که دارای فضیلت اخلاقی و صفات انسانی شود و سعادت‌مند و خوشبخت شود" (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۷۳).

بخش دوم از حکمت عملی تدبیر منزل است. عملی که انسان برای حصول نتیجه‌ای انجام می‌دهد، اگر در انجام عمل محتاج معاونت و تشریک دیگران باشد. این گونه عمل اگر متعلق به اراده امور داخلی یک خانواده باشد آن را تدبیر منزل گویند. (ارموی، ۱۳۶۸: ۴ تا ۱)

بخش سوم از حکمت عملی سیاست مدن است. عملی که انسان برای حصول نتیجه‌ای انجام می‌دهد، اگر در انجام عمل محتاج به معاونت و تشریک داشته باشد آن عمل متعلق به امور داخلی یک کشور یا مملکت (یا شهر و ولایت) باشد آن را سیاست مدن گویند. (همان)

### سیاست مدن

ارسطو در کتاب "سیاست" نظر خود را در مورد آیین کشورداری اظهار کرده‌است. وی در بخش چهارم و پنجم به بررسی انواع حکومت‌ها پرداخته، و در بخش ششم حکومت کمال مطلوب خود را بیان داشته‌است. او برعکس افلاطون که ضمن نگرش به جامعه درست، از دیدگاه اخلاقی دست به ایجاد مدینه آرمانی می‌زند، واقعی‌تر با آن برخورد می‌کند. (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۶) ابن سینا ضمن بررسی حکومت‌های دموکراسی











باید همانند پدری مهربان برای مردم باشد. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۲: ۶۲۱)

امیرمومنان (ع) فرمود: برترین حاکمان و کارگزاران کسانی هستند که سه ویژگی به

آن‌ها داده شده باشد: مهربانی، بخشش و عدالت. (الحرانی، ۱۳۶۳: ۳۱۹)

حکیم اسدی نیز درخصوص مهربانی کردن با زیردستان می‌گوید:

بیخشای بر زیردستان به مهر بر ایشان به هر خشم مفروز چهر

که ایشان به تو پاک مانده‌اند خداوند را همچو تو بنده‌اند

(اسدی، ۱۳۸۹: ۴۰۳)

درخصوص روش برخورد با مردم علی (ع) می‌فرماید: مهربانی با مردم را پوشش

دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان

شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر

دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند

یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌گردد، یا خواسته و یا ناخواسته، اشتباهی مرتکب

می‌گردند، آنان را بیخشای و بر آنان آسان گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را

بیخشاید و بر تو آسان گیرد ... (علی "ع"، ۱۳۸۵: ۴۰۹)

حکیم اسدی درباره مهربانی پادشاه با مردم آورده است:

سخن‌هایش درست و دانش سرشت خبرهایش هر یک چراغ بهشت

چو خرسند بد خوب کاری کند چو خشم آیدش بردباری کند

(اسدی، ۱۳۸۹: ۴۲)

در جای دیگری آورده است:

چو نیکی نمایندت گیتی خدای تو با هر کسی نیز نیکی نمای

(همان: ۲۴۰)

حکیم اسدی در ابیاتی دیگر می‌گوید فرمانروای خوب آن کس است که در هر















سرشت و نترس و شجاع می‌داند. همچنین حاجب (رئیس تشریفات دربار) که زینت دربار و جشن‌ها و میهمانی‌ها باشد. دیگر دبیر خوش خط و ریاضی‌دان خوش حافظه می‌داند.

حکیم اسدی درباره گروه‌های مردم می‌گوید:

کهن دار دستور و فرزانه رای      به هر کار یکتا دل و رهنمای  
سپه دار و گنج آکن و غم گسل      کدیور به طبع و سپاهی به دل  
... خردمند کن حاجب و خوب کار      طرازنده درگه و بزم و بار  
... نکو خط و داننده باید دبیر      شمارنده چابک دل و یادگیر  
... نکودار مر مردم خویش را      همان پارسا مرد درویش را  
(اسدی، ۱۳۸۹: ۲۳۹-۲۴۰)

چند اشتباهی که حاکم نباید انجام دهد.

در گرشاسب نامه در این باره آمده است:

چهارست آهوی شاه آشکار      که شه را نباشد بتر زین چهار  
یکی خیره را یی دوم بددلی      سوم زفتی و چارمین کاهلی  
(همان: ۲۳۹)

خیره سری و استبداد، ترسوایی و بخیلی و تنبلی چهار ویژگی و خصلت رذیله است که حاکم و فرمانروا نباید آن‌ها را داشته باشد.

برترین ویژگی‌های حاکم:

خرد شاه را برترین افسرست      هش و دانشش نیک تر لشکرست  
بهین گنج او هست داننده مرد      نکوتر سلیحش یلان نبرد  
(همان: ۲۳۹)

همانطور که حکیم اسدی گفته است خرد و عقل و دانش برترین ویژگی حاکم











